

این سند توسط کورش مدرسی بعد از پلنوم ۱۶، در تاریخ
۲۴ اوت ۲۰۰۲ برای بحث در هیات دائم نوشته شد است.

رفقا،

این نکات برای بحث در هیات دائم نوشته شده است. طبعاً فرمولبندی‌های آن هم از فرض این
مخاطب متأثر است. بنظر من نکات مطرح شده در بحث پلنوم را منعکس میکند. شاید در بحث
پلنوم من نتوانستم بحث سر و ته داری را ارائه دهم. در هر صورت این تلاشی برای جمع و جور
کردن بحث است. امیدوارم در هیات دائم بحث خوبی داشته باشیم.

کورش مدرسی

۲۴ اوت ۲۰۰۲

جلسه بحث در این مورد روز جمعه ۶ اوت ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر خواهد بود.

سقوط جمهوری اسلامی و نقش حزب کمونیست کارگری ایران

کورش مدرسی

۱ - سقوط جمهوری اسلامی سوالات جدیدی را در مقابل جامعه و طبعاً حزب کمونیست کارگری
ایران قرار میدهد. حزب کمونیست کارگری باید سناریوهای ممکن و بویژه سناریوی محتمل را
بررسی کند در دادن ابعاد مطلوب به آن نقش فعالی را بازی کند.

۲ - شکل محتمل سقوط جمهوری اسلامی، در شرایط کنونی، که قطعاً در نتیجه مقابله مردم و
تعرض آنها به ارگانهای این رژیم صورت خواهد گرفت، بلاواسطه منجر به رسیدن حزب کمونیست
کارگری و یا جریان راست پرو غربی به قدرت نخواهد شد. سرنگونی رژیم به معنی پیروزی یک افق و
یک جنبش اجتماعی و سیاسی نخواهد بود. ما شاهد یک دوره تحول، تلاطم، یک دوره دولت و
دولت‌های غیر متعارف خواهیم بود که طی آن تکلیف قدرت سیاسی یکسره میشود. قطعنامه کنگره
سوم حزب این موقعیت را پیش بینی کرده است. "سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی
در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبش‌های اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم
اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده و در پی سرنگونی رژیم
اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. ... هم اپوزیسیون بورژوائی و هم جنبش
کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند"

۳ - با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جامعه به یک دوره خلا کامل گذر نخواهد کرد. مدنیت جامعه، تمرکز موجود در سیستم اقتصادی و اداری کشور و سیاست آمریکا و غرب وجود یک دولت رسمی مرکزی را ناگزیر میکند. این دولت، در این دوره، ممکن است دامنه اقتدار محدودی داشته باشد. اما بلحاظ کنترل منابع مالی اهرم های مهمی را در اختیار خواهد داشت. ظرفیت استفله آن؛ این اهرم ها به تعادل قوای اجتماعی بستگی خواهد داشت.

۴ - تناسب قوای کنونی میان گرایشهای اجتماعی و احزاب سیاسی اپوزیسیون و وجود احزاب و جریاناتی که میتوانند به زور اسلحه سناریوی سیاه را بر جامعه تحمیل کنند سوالاتی را در مقابل جامعه و مردم قرار میدهد که حزب کمونیست کارگری باید بعنوان یک نیروی مسئول و مدعی قدرت به آنها پاسخ دهد. این پاسخ و تلاشی که حزب برای تبدیل این پاسخ به پاسخ مردم میکند یک رکن اساسی نزدیک شدن حزب به قدرت است.

۵ - سوالات اساسی که باید به آن پاسخ گفت از این قرارند: (این سوالات در دنیای واقعی وجوه مختلف همان ابهامی است که در بندهای فوق به آن اشاره شد)

الف - محتمل ترین ترکیب دولت رسمی که در پی سرنگونی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی چه خواهد بود؟ احزاب سیاسی مختلف در آن چه نقشی خواهند داشت؟ مردم و ارگانهای توده ای چه جایگاهی خواهند داشت؟ حزب کمونیست کارگری چه جایگاهی خواهد داشت؟ چه سیاستی را تعقیب خواهد کرد؟

ب - چگونه میتوان از بهم ریختن شالوده زندگی مدنی و تحقق سناریو سیاه ممانعت کرد. ملزومات آن چیست؟ حزب کمونیست کارگری در این رابطه چه وظایف معین و ویژه ای را در دستور دارد؟

پ - نقشه و یا پلان عبور متمدن، آرام و دمکراتیک از جمهوری اسلامی به نظام بعدی که طی آن حق دخالت مردم در تعیین این نظام و زمین بازی مساوی برای احزاب سیاسی تضمین میشود چیست. سوالی که اپوزیسیون بورژوازی با طرح فراندنم به آن پاسخ میدهد. پاسخ به این سوالات برای حزب کمونیست کارگری بعلاوه معنای ویژه تشکیلاتی نیز خواهد داشت که فعلا موضوع مورد بحث این تزا نیست.

۶ - در پاسخ به این سوالات باید ابتدا از چند حکم و مشاهده شروع کرد:

الف - سناریوی سرنگونی جمهوری اسلامی هر چه باشد حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری سوسیالیستی را تنها آلترناتیو رهائی بخش میداند. برای تحقق فوری آن مبارزه میکند. شعار حزب زنده باد جمهوری سوسیالیستی است.

ب - حزب کمونیست کارگری از همین امروز برای تحقق این شعار تلاش میکند. تلاش میکند تا شرایط را بنحوی تغییر دهد که تحقق این هدف هر چه سریعتر و فوری تر انجام شود.

پ - سرنگونی جمهوری اسلامی منجر به سر برآوردن انواع تشکل های توده ای و از جمله شوراهای محلی و کارخانه ای خواهد شد. این تشکل ها و بویژه شوراهای یکی از ارکان پایه ای حکومت حزب کمونیست کارگری خواهند بود. حزب شکل گیری این تشکل ها، گسترش آنها و بویژه جلب آنها به سیاست های حزب را از هم اکنون، و در دوره مورد بحث یک پایه اساسی فعالیت خود قرار خواهد داد.

ت - رکن دیگر قدرت گیری حزب، گسترش حزب بصورت یک حزب سیاسی توده ای است. خود حزب باید به یک سازمان توده ای که قدرت بسیج و تغییر تناسب قوا را دارد تبدیل شود. حزب باید در هر محل و هر کارخانه، هر دانشگاه و اداره و غیره تاسیس شود. خانه های حزب باید به کانون های توده ای بسیج مردم و فعالین و رهبران سیاسی تبدیل شوند. حزب کمونیست کارگری تلاش خواهد کرد که در هر جا تبدیل به نیروی سیاسی فائده گردد.

ج - بحثی که تحت عنوان سلبی - اثباتی از طرف نادر مطرح شد، بویژه در این دوره تحول نقش حیاتی خواهد داشت. حزب کمونیست کارگری تنها با تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی به پرچم مردم تبدیل نخواهد شد. باید سوال کنکرت در جامعه را تشخیص دهد و حول آن محیط را پلاریزه نماید. بنظر میرسد محورهای که، یکی یا چند تای آنها، شانس تبدیل به این کاتالیزور را دارند کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، رفاه، آزادی، در میدان نگاه داشتن مردم، حفظ مدنیت جامعه و ممانعت از تحقق سناریو سیاه، مدرنیسم و ... است. پیشینی اینکه کدام محور یا محورها به این موقعیت عروج خواهند کرد و حول چه شعاری زودرس است.

چ - بورژوازی و احزاب آن بدون تردید وقتی شکست خود را محتمل بدانند به هیچ سناریو دمکراتیکی پایبند نخواهند بود. حتی اگر این سناریو فراندم مورد نظر آنها باشد. اما این نتیجه گیری است که مردم و بویژه طبقه کارگر و شوراهای باید به آن رسانده و برای مقابله با آن آماده شوند. حزب کمونیست کارگری نسبت به رعایت هیچ پروسه دمکراتیک و متمدنی از جانب احزاب بورژوازی توهم ندارد. در نتیجه حزب باید آمادگی فکری و عملی رودرویی با بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی در موقعیت مناسب را داشته باشد.

ح - حزب کمونیست کارگری فاقد یک طرح و یا تصویری از یک پروسه گذار مسالمت آمیز و متمدن که طی آن احزاب سیاسی امکان فعالیت خواهند داشت و مردم میتوانند آزادانه نوع حکومت آتی را تعیین کنند است. این یک خلا جدی در استراتژی حزب برای رسیدن به قدرت و رهبری مردم است. عدم پاسخگوئی به این خلا بویژه در شرایط امروز حزب را

بلحاظ اجتماعی در موقعیت نامناسبی قرار خواهد داد. پاسخ گوئی به این سوال برای حزب در این دوره اهمیت حیاتی دارد.

۷ - سقوط جمهوری اسلامی در ظاهر و در مرحله اول میتواند شکل سقوط جناح راست را داشته باشد. بخش هائی از بقایای دوم خرداد از هم اکنون دارند حساب خود را از جناح راست جدا میکنند در صورت وجود اپوزیسیون غالب و قدرتمند دولت آلترناتیو دولت این اپوزیسیون میبود. چیزی که در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد که دولت منصوب خمینی و شورای انقلاب او تشکیل گردید. شکل انقلاب آتی ایران بیشتر شبیه اشکال کلاسیک تر نظیر انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، سقوط رژیم شوروی، سقوط رژیم رومانی، یوگسلاوی، و غیره خواهد بود. هیچ یک از نیروهای اپوزیسیون سرنگونی خواه در کوتاه مدت در صحنه سیاست ایران و در تناسب قوای موجود نیروی فائده ای که بتوانند نقش تشکیل دولت را بر عهده بگیرند نیستند. در نتیجه دولت میوه ایست که با سقوط جمهوری اسلامی به دست نزدیکترین نیروی موجود در میدان خواهد افتاد. نیروئی که درست همزمان با از هم پاشیدگی اوضاع دولت را میتواند اعلام کند، اهرم های باقی مانده دستگاه دولتی را در اختیار دارد. این شانس بیش از هر کس شامل بخشی از خود دستگاه دولت جمهوری اسلامی میشود - اساسا بخشهایی از دو خرداد که قطعا تلاش خواهند کرد بر موج اعتراض مردم سوار شوند (حجاریان و غیره میتوانند تلاش کنند نقش یلتسین در کودتای ارتش را بازی کنند). این دولت قطعا هم دامنه اقتدار محدودی خواهد داشت و هم سرعت جای خود را به دولت های بعدی با ترکیب متفاوت خواهد داد. یک فاکتور مهم در این رابطه سیاست آمریکا و جناح راست بورژوازی است. تلاش آنها برای تشکیل نوعی پارلمان یا دولت در تبعید در صورت تحقق میتواند در ترکیب دولت هائی که به قدرت میرسند موثر باشد.

۸ - دولت بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی یک دولت غیر متعارف و موقت است. عمر محدودی داد و دستور کار رسمی محدودی. دستور کار آن تدارک تعیین تکلیف نظام جامعه از طریق رفتارندم یا هر پروسه ظاهرا دموکراتیک دیگر است. محدوده اقتدار این دولت و دامنه عمل آن محدود خواهد بود و با تشکیل ارگانهای توده ای و دخالت احزاب سیاسی میتواند محدودتر شود. اما قدر مسلم این است که این دولت از یک طرف خود را نماینده خیر خواهی و ثبات و آرامش معرفی خواهد کرد و از طرف دیگر حمایت بین المللی میتواند موقعیت آنرا تقویت کند.

۹ - اپوزیسیون پرو رژیم (اکثریت، روشنفکران و ژورنالیست های، حزب توده و غیره) بخودی خود هیچ نقش مستقلی را نمیتوانند بازی کنند. اینها تنها بعنوان نیروی ذخیره جناح راست بورژوازی و بعنوان محلل بقدرت رسیدن آنها عمل خواهند کرد. حلقه اتصالی از دولت بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تا دولت بورژوازی راست.

۱۰ - مجاهدین یک نیروی بی ریشه در جامعه است. اما پول و آدم دارد و مهمتر از آن اشتهای ماجراجوئی و تحمیل مسلحانه خود به جامعه. در صورتی که نیروهای مجاهدین در عراق دست

نخورده باقی بمانند با اولین نشانه های بهم ریختگی دستگاه دولت اینها نیروهایشان را به ایران منتقل میکنند و بخشهایی از غرب و یا جنوب را به تصرف خود درخواهند آورد. و در تهران و سایر نقاط بعنوان یک نیروی سیاسی- نظامی و ارد صحنه خواهند شد. اینها یک پایه سیاه کردن سناریو عبور از جمهوری اسلامی هستند.

۱۱ - یک فاکتور دیگر را که باید بحساب آورد شکل گیری گروههای مسلح فاشیست دست راستی و همچنین نقش جریانات و گروههای مسلح محلی است.

۱۲ - محور اصلی سیاست جناح راست بورژوازی و همچنین جریانات دیگری که بعد از سقوط جمهوری اسلامی موقتا به جلو صحنه میآیند کنترل مردم و بیرون کردن آنها از صحنه سیاست است. با توجه بوجود یک قطب با نفوذ چپ (حزب کمونیست کارگری) بنظر من راست بدون برو برگرد سیاست سقط کردن اعتراض مردم و اعلام خاتمه انقلاب را در پیش خواهد گرفت. موقعیت جامعه ایران از این نظر با کشورهای دیگری، نظیر یوگسلاوی، که غرب و اپوزیسیون بورژوازی برای مدتی میخواست مردم را در میدان نگاه دارد بکلی متفاوت است. هسته این تفاوت وجود حزب کمونیست کارگری ایران است.

۱۳ - طرح رفراندوم، مستقل از نقاط قوت و ضعف فی النفسه آن، پلاتفرم و طرح بیرون کردن سریع مردم و اعلام خاتمه انقلاب حول چند سوال قلبی مثلا سلطنت یا جمهوری است. درست مثل رفراندوم جمهوری اسلامی آری یا نه. حزب کمونیست کارگری همانگونه که تاکنون بوده باید اکیدا این طرح را افشا کند.

۱۴ - حزب کمونیست کارگری باید سیاست خود را در دو زمینه روشن کند: سیاست آن در قبال دولتی که بعد از جمهوری اسلامی سر کار میآید و دوم سناریو و یا طرح گذار دمکراتیک و مسالمت آمیز به نظام مورد نظر مردم و کم کردن امکان وقوع سناریو سیاه.

۱۵ - در مورد سیاست حزب در قبال دولت جانشین جمهوری اسلامی. سیاست حزب تاکنون این بوده که با سرنگونی جمهوری اسلامی حزب باید به قدرت برسد یا ما میخواهیم برسد. این جواب درست است اما کافی نیست. درست است زیرا همانطور که در بند های قبل اشاره شد سیاست پایه ای حزب کمونیست کارگری در این دوره را منعکس میکند. ناکافی است زیرا تعادل قوای موجود در جامعه، و در نتیجه سیر محتمل اوضاع را، در نظر نمیگیرد. بعلاوه تصویری که از نقش حزب در این دوره میدهد یک تصویر صرفا اپوزیسیونی است که تنها از پائین فشار میآورد. نه نیروئی که میخواهد اوضاع را با توسل به همه اهرم های قدرت بسمت مورد نظر خود بچرخاند. فشار از پائین را با فشار بالا توأم میکند. مهمتر اینکه نفس روشن کردن سیاست حزب در قبال چنین دولتی نقش مهمی در شکل دادن توقع مردم از آن، اعمال فشار بر اپوزیسیون و بالاخره سیاست خود این دولت دارد. میتواند فضا را به نفع ما بیشتر بچرخاند.

۱۶ - بنظر من پایه سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در قبال دولت در این دوره باید بر چند اصل متکی باشد. منظورم از سیاست در قبال این دولت به معنی حمایت از آن نیست. چارچوبی است که در آن حزب کمونیست کارگری خواهان سرنگونی قهرآمیز این حکومت نخواهد شد و قواعد مورد توافق را رعایت خواهد کرد و از دیگران خواهد خواست که این قاعده را رعایت کنند:

الف - در میدان نگاه داشتن مردم، تضمین بیشترین امکان دخالت آنها در تعیین سرنوشت جامعه

ب - ممانعت از اعلام خاتمه انقلاب تا جایی که مردم در یک فرصت مقبول بتوانند تصمیمشان را در مورد آینده نظام بگیرند.

پ - رسمیت دادن به خصلت موقتی این دولت - این یک دولت سیاسی، به معنی که در بحث دولت در دوره های انقلابی آمده، میباشد. منای توافق حزب با چنین دولتی نمیتواند منبای اقتصادی داشته باشد. نقش این دولت اقتصادی نیست.

ت - ممانعت از تحقق سناریو سیاه

ث - تضمین بیشترین امکان دخالت به حزب کمونیست کارگری از بالا و پائین.

۱۷ - منبای رابطه حزب کمونیست کارگری با این دولت (به همان معنی که در بالا اشاره شد) براساس تعهد و اجرای یک سری مطالبات سیاسی است. اقلامی شبیه اینها:

- اعلام انحلال جمهوری اسلامی لغو همه قوانینی که منشا مذهبی دارند.

- آزادی کامل و بدون قید و شرط بیان، تشکل، اعتراض - آنطور که در برنامه آمده

- خصوصی اعلام کردن مذهب، مصادره اموال نهادهای مذهبی، موقوفات، لغو هرگونه حمایت از نهادهای مذهبی

- اعلام برابری کامل زن و مرد در همه قوانین و شئون اجتماعی، لغو کلیه قوانین علیه زن

- انحلال وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران

- لغو مجازات اعدام

- تضمین دسترسی همگانی به رسانه های جمعی، بویژه احزاب سیاسی و تشکل های توده

ای

- ممنوعیت اعمال حاکمیت احزاب سیاسی بر مردم با توسل به اسلحه (این را شاید باید

دقیق تر کرد)

- بلوکه کردن حساب مقامات جمهوری اسلامی، ممنوعیت خارج کردن پول از ایران.

با رجوع به بحث سناریو سیاه میتوان این بخش را دقیق تر کرد.

۱۸ - حزب کمونیست کارگری ایران باید برای جلوگیری از تحقق سناریو سیاه و همچنین تضمین یک گذار متمدن و دمکراتیک به نظام آینده:

- تلاش کند که تحقق چنین پلانفرمی را به خواست مردم تبدیل کند.
- نیروهای سیاسی را زیر فشار قرار دهد که تعهد خود را به آن اعلام کنند.
- اعلام کند که در صورت تضمین چنین پلانفرمی آماده است در دولت شرکت کند و یا حتی خود چنین دولتی را ایجاد نماید.
- ۱۹ - در مورد طرح گذار از جمهوری اسلامی به نظام منتخب مردم باید به نکات زیر توجه کرد:
- الف - طرح حزب کمونیست کارگری نمیتواند ابداع جدیدی باشد. این طرح باید در فرهنگ سیاسی جامعه شناخته شده باشد.
- ب - تحقق این طرح نمیتواند مستقیماً به معنی حکومت مورد نظر حزب کمونیست کارگری باشد. مثلاً اعلام شوراها بعنوان دولت برای این دوره از دو نظر نادرست است. اولاً چنین شوراهائی وجود ندارند و در صورت شکل گیری آنها معلوم نیست تحت تاثیر کدام یکی از جریانات سیاسی یا اجتماعی باشند و ثانیاً ملزومات قدرت حزب کمونیست کارگری را بعنوان پیش شرط دخالت حزب معرفی میکند و بنظر میرسد که میدان بازی و شرایط دمکراتیکی برای دخالت احزاب دیگر را تضمین نمیکند. این فشار را از روی آنها بر میدارد و به آنها میدان مانور وسیعتری میدهد.
- ۲۰ - باتوجه به نکات فوق به اعتقاد من طرح دولت موقت + مجلس موسسان + رفراندوم میتواند طرح مورد قبول حزب باشد. مجلس موسسان تنها یک جز این طرح است در این چهارچوب بسیاری از تناقضات مجلس موسسان مطرح شده از جانب دیگران را ندارد. از میان آلترناتیوهای موجود کم ضرر تر از همه است و بویژه کم ضرر تر از سکوت یا بی نقشه ماندن حزب در این مورد است.
- ۲۱ - در نتیجه اگر نکات این بحث درست باشد حزب این کارها را خواهد کرد:
- الف - صدور یک بیانیه بهمراه اعلام حقوق سیاسی پایه ای مردم در دوره گذار.
- ب - این بیانیه برای کلیه احزاب و شخصیت ها (لیستی شبیه آنچه برای کنگره دعوت شدند) فرستاده خواهد شد و از آنها خواسته شود که تعهد خود را به دفاع و اجرای این حقوق در هر موقعیتی که قرار خواهند گرفت اعلام کنند.
- ج - حزب کمپین وسیع سیاسی را برای برجسته کردن خطرات این دوره و نحوه جلوگیری از سناریو سیاه و حفظ حقوق مردم انجام میدهد. توپ را به میدان نیروهای دیگر اپوزیسیون میفرستد، فشار را روی آنها نگاه میدارد و افکار عمومی جامعه را میسازد.
- د - حزب طرح خود برای این دوره یعنی دولت موقت + مجلس موسسان + رفراندوم را اعلام میکند.
- بنظر من وارد شدن پر قدرت به این بحث و اتخاذ همه جانبه آن موقعیت سیاسی حزب را بشدت تقویت میکند و آنرا بطور شاخص تری به جلو صحنه سیاست ایران پرتاب خواهد کرد.

یک فاکتور دیگر تلاش آمریکا برای شکل دادن به یک نوع مجمع و یا پارلمان در تبعید و یا دولت در تبعید است. این تلاش آمریکا با نزدیک شدن سقوط جمهوری اسلامی با کمک همه نیروهای راست بورژوازی و لیبرالها و دواخردادی های سابق سرعت میگیرد. اعلام و اجرای پیشنهادات فوق توسط حزب یک ضربه از پیش به این تلاش نیروهای راست است و محیط بازی آنها را تغییر میدهد. پاسخ به چند سوال که در پلنوم مطرح شد:

- آیا طرح دولت موقت به این شکل تصویر ضعیفی از حزب نمیدهد؟ به اعتقاد من الزاما نه. اگر حزب نه تنها بعنوان اپوزیسیون بلکه بعنوان یکی از معماران چنین دولتی وارد میدان شود بعکس تصویر قدرتمندتری از حزب میدهد. فرض کنید اگر رضا پهلوی با چنین طرحی به میدان بیاید، طرحی که آمریکا مشغول جمع آوری نیرو برای آن است، اصلا تصویر ضعیفی از او را بدست نمیدهد. بلکه بعنوان کسی که دارد خود را برای بعد از جمهوری اسلامی آماده میکند قوی تر بنظر خواهد رسید.

- آیا طرح مجلس موسسان از جانب ما عقب نشینی نیست؟ آیا صندلی مجلس موسسان اشغال نیست؟ یکاش طرح دیگری وجود داشت. من شخصا از هر طرح آلترناتیوی که به اوضاع بخورد استقبال خواهیم کرد. اما در رابطه با خود مجلس موسسان باید به نکات زیر توجه کرد:

الف - امروز در مقایسه با رفراندم، مجلس موسسان طرح بی صاحب تری است.

ب - کل انتقاد ما به مجلس موسسان مطرح شده از جانب اپوزیسیون برجای خود باقی است. در طرح ما مجلس موسسان با رفراندم و دولت موقت گره میخورد.

ج - حزب کمونیست کارگری، اگر همه جانبه و با تعرض کامل ظاهر شود و مجلس موسسان را بعنوان یک گوشه طرح مطرح کند، آنقدر قدرت دارد که صندلی اشغال شده را از زیر اشغال کننده بیرون بکشد.

د - مجلس موسسان در خود مذموم نیست. آلترناتیو ما نیست. چیزی است شبیه پارلمان. این شعار بلشویکها هم بوده، که آنها هم با توجه اوضاع جامعه آنها پذیرفتند.

۲۳ - آیا طرح دولت موقت قائل شدن به یک مرحله برای انقلاب و موکول کردن انقلاب سوسیالیستی به "بعد" نیست. بنظر من اگر استراتژی حزب روشن باشد، اگر معلوم باشد در چه متنی و برای چه دوره ای این کار را میکند مطلقا این نقش را نخواهد داشت. این یک دولت موقت چند ماهه، است که به حزب کمونیست کارگری و به مردم اجازه میدهد بطرق دمکراتیک سرنوشت جامعه را بدست بگیرند. با بند هائی که بعنوان مقدمه مطرح کردم باید قاعدتا تفاوت معلوم باشد.

۲۴ - هرکدام از این بندها، بویژه بند بیانیه حقوق سیاسی مردم در دوره گذار، را میتوان به تنهائی مطرح کرد و پیش برد. اما بنظر من قدرت حزب در یک تعرض همه جانبه است. اجزای این پیشنهاد

یک نقشه همه جانبه است که نه تنها دست حزب را نمیبندد بلکه بیشترین امکان، فضا و میدان مانور را به آن میدهد و فضای سیاسی را بنفع حزب میچرخاند.